

مطالعه تاریخی محصولات و منابع کرمان

از منظر جغرافی دانان و مورخان دوران میانه



♦ دکتر جمشید روستا

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان

است از بلاد سند؛ و غربی کرمان بلاد فارس است] و شمالی، بیابان خراسان و سجستان و این بیابان میان فارس و کرمان و خراسان واقع شده است و جنوبی کرمان، دریای فارس است. در ولایت کرمان، گرمسیر و سردسیر هر دو هست اما اکثر گرمسیر است و از میوه‌ها همه گونه باشد. هرمز را از فُرْسه کرمان خوانند...» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۱/۳).

بنا به قول صاحب کتاب عقداعلی للموقف الاعلی «ولایت کرمان، مملکتی طویل و عریض است و بلاد بسیار و نواحی بی‌شمار و قلاع حصین و سرود و جروم و هوایی چون نکهت معشوقان خوش و لطیف و آبی چون اشک نشاط عاشقان، سرد و صافی» (افضل الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۶). وسعت کل سرزمین کرمان نیز به قول نویسنده کتاب «جهان‌نامه» در اوایل قرن هفتم هجری، صد و هشتاد فرسنگ در صد و هشتاد فرسنگ بوده است. (ابن بکران، ۱۳۴۲: ۱۳) میزان وسعت این سرزمین طی قرن هفتم هجری قمری زمانی بیشتر مشخص می‌شود که ابن بکران (نویسنده جهان‌نامه)، وسعت ایالت سپاهان (اصفهان) را هشتاد فرسنگ در هشتاد فرسنگ آورده است. (همان، ۱۴)

از کوه‌های مشهور این ایالت هم می‌توان به جبل القفص، بلوچ، بارز و جبل الفضة (معدن نقره) اشاره نمود. جبل القفص، منطقه‌ای کوهستانی در جنوب شرقی جیرفت بود که در قرن چهارم قبایل کوچ‌نشین به نام کوچ و یا کوفچ در آنجا مسکن داشتند و در خاور این کوه طوایف بلوچ، کوچ‌های تابستانی و زمستانی انجام می‌دادند. این منطقه کوهستانی در میان مکران و کرانه‌های جنوبی کویر بزرگ واقع بود. میان این کوه و جیرفت رشته‌کوه‌هایی موسوم به «کوهستان ابوغانم» واقع بود. در

بر همگان مبرهن است که رویدادهای تاریخی و سیر حیات جوامع و تمدن‌های مختلف، نه تنها در محدوده‌های زمانی بلکه در بستری مکانی وقوع می‌یابند. این مهم، پژوهشگر را ملزم می‌سازد تا علاوه بر بررسی زمان وقوع رویدادها، محل وقوع آن‌ها را نیز مورد تحلیل و تبیین قرار دهد. بی‌شک ویژگی‌های جغرافیایی، شرایط سوق‌الجیشی، چگونگی حدودوئغور، وضعیت آب‌وهوایی و میزان منابع و محصولات کشاورزی و صنعتی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر هر جامعه و تمدنی است. بر اهل فضل و پویندگان راه علم و دانش نیز پوشیده نیست که تحلیل و تبیین تاریخ هر تمدنی بدون بررسی دقیق اوضاع جغرافیایی آن مرزوبوم کاری است عبث؛ چراکه وضعیت تاریخی و سیاسی هر مملکتی با اوضاع جغرافیایی آن مملکت و سرزمین، درهم تنیده شده و زمانی می‌توان نام تمدن را بر یک منطقه گذارد که آن منطقه توسط حدودوئغور دقیق، مشخص شده و از دول و ممالک دیگر متمایز گردد.

سرزمین کرمان که امروزه بر روی کره جغرافیا در نقطه‌ای با مختصات هندسی ۵۰ و ۵۷ درجه طول شرقی و مختصات ۱۷ و ۳۰ درجه عرض شمالی قرار گرفته است از گذشته‌های بسیار دور تاکنون مورد توجه و تأمل جغرافی‌دانان و مورخان مسلمان بوده و هرکدام از این اندیشمندان در باب حدودوئغور این سرزمین، سخن به میان آورده‌اند. حافظ ابرو بر آن است که: «[ایالت] کرمان از بلدان اقلیم سیم است... حدّ شرقی کرمان زمین مکران است [و بیابانی که مابین کرمان و بحر است و مکران قطعه‌ای

ناحیه مشرق جیرفت، جبل بارز قرار داشت که از نقاط سردسیر کرمان محسوب شده و دارای جنگل‌های انبوه بوده است. در این کوهستان، چشمه و قنات بسیار است و هوای آن لطیف و مراتع و چراگاه‌های خوب دارد. باغ و میوه‌جات آن زیاد است. جبال بارز، بیلاق جیرفت است و معادن فراوان نیز دارد. (ر.ک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۰۶۰/۴؛ خداوردی تاج آبادی، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۴)

مقدسی نیز در قرن چهارم هجری راجع به جغرافیای ایالت کرمان می‌گوید: «سرزمینی است که در ویژگی‌هایی همچون «فارس» و از چندراه همانند بصره و در چگونگی، نزدیک به خراسان است. زیرا که در کرانه دریا است و سردسیر و گرمسیر، خرما و گردو، میوه تازه و خشک و شیره آن‌ها را باهم دارد. ... کوه و دشت‌ها دارد. سمنه و شن زار، چارپا و شتر بسیار و ویژگی‌هایی شگفت‌زا دارد.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۲/ ۶۸۰-۶۸۱) مقدسی، کرمان



به تمام ممالک صادر می‌شد (ر.ک: لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۳۱) «از نواحی بردسیر کوهبنان است که از آنجا توتیا خیزد و به همهٔ جهان از آنجا نقل کنند» (افضل‌الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۳۱). مارکوپولو که همزمان با حکومت قراختاییان به ایران آمده بود توتیای کرمان را از مرغوب‌ترین توتیاها معرفی می‌کند: «توتیای کرمان از مرغوبیت خاصی برخوردار بود» (گابریل، ۱۳۸۱: ۳۰۲). توتیا یا سرمه یک ماده مهم با خاصیت آرایشی و درمانی است و معمولاً در کوره‌ها و طی فرآیندی مشخص از فلزات سرب و روی به دست می‌آمده است. برخی اعتقاد دارند که این ماده در واقع اکسید روی است. محصول دیگر کرمان، ابریشم بوده است؛ چنان‌که یکی از درآمدها و سودهای زمان ترکان خاتون قراختایی نیز ابریشم بوده است (ر.ک: تاریخ شاهی، ۱۳۹۰: ۳۴۲-۳۴۳). در میان مناطق کرمان، نماشیر از مناطق ابریشم‌خیز بوده است: «بر شرقی شهر بم، نماشیر است ولایتی نزه و بقعه فسیح رقع، در وی فواکه بردسیر و گرمسیر و ابریشم بسیار و دلخفاء متواتر...» (افضل‌الدین کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۹). از دیگر محصولات کرمان می‌توان به پنبه اشاره کرد. این کالا یکی از صادرات مهم کرمان بوده است (ر.ک: گلاب‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۲). پنبه یکی از مهم‌ترین مواد صنعتی بوده که در تولید پارچه‌های کرباسی استفاده

سیستان بود و سرزمینی بود که در آن محصولات سردسیری و گرمسیری به عمل می‌آمد و مهم‌ترین صادراتش به جز خرما؛ نیل، هل، شکر و دوشاب بود (ر.ک: لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۳۷). جیرفت از اقلیم سوم است (ر.ک: حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۰). در زمان ایلخانان مغول، کشت میوه‌جات پایگاه برجسته‌ای در اقتصاد ایران شد. در این زمینه مناطق مختلف ایران به کشت میوه‌جات می‌پرداختند. یکی از این نواحی کرمان بود و از جمله میوه‌هایی که در این زمان در کرمان به عمل می‌آمد، انجیر بود (ر.ک: پطروشفسکی؛ یان؛ اسمیت، ۱۳۶۶: ۲۸). علاوه بر انجیر، از میوه‌های دیگری که در این زمان دارای مرغوبیت بود، هندوانه است که به گفتهٔ باستانی پاریزی به هندوانه خانمی معروف بوده است. این هندوانه بسیار شیرین و با تخمه‌های بسیار ریز بود که به مناطق دیگر صادر می‌شد. او معتقد است این نسبت مربوط به ترکان خاتون قراختایی است: «در کرمان یک نسبت هندوانه خانمی داریم و آن هندوانه ایست بس شیرین و با تخمه‌های بسیار ریز و کوچک اگر غلط نکنم این نسبت شاید مربوط به ترکان خاتون حاکم مقتدر و زیبای قراختایی کرمان بوده باشد.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۷: ۵۰۶). از محصولات دیگر کرمان، توتیا بود که در این میان توتیای کوهبنان و بهاباد معروف بود و

را به پنج ناحیه و خوره مهم از جمله بردسیر، سیرجان، جیرفت، بم و نماشیر تقسیم کرده است. (همان‌جا)

از دیگر سو ایالت کرمان، با قدمتی به بلندای تاریخ، دارای حدودثغور مشخص، آب‌وهوا و اقلیم خاص خود بوده (عنصر مکان)؛ و در دوره‌های تاریخی پی‌درپی (عنصر زمان)؛ اقوام مختلفی از نژادهای گوناگون (عنصر انسان) بدین دیار مهاجرت کرده، ساکن شده و بعضاً موفق به تشکیل حکومت شده‌اند. دولت‌های حاکم بر کرمان نیز علاوه بر سلطه سیاسی بر حدودثغور ایالت کرمان، به برخی از شهرهای این ایالت، اهمیت بیشتری داده و با ساخت قلعه‌ها، برج‌ها، دروازه‌ها و دارالحکومه برای شهر مدنظر خود آن را به دارالملک کرمان مبدل ساخته‌اند. تبدیل شهر به دارالملک ایالت، بدون تردید موجبات رونق حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن شهر را فراهم ساخته و پیشرفت‌های بعدی آن را رقم زده است.

کرمان به سبب داشتن موقعیت اقلیمی خاص از تنوع محصولات گرمسیری و سردسیری برخوردار بوده است. محصول اصلی کشاورزی کرمان، مانند بسیاری از جاهای دیگر، گندم و جو بوده است و به دلیل کم‌آبی، ارزن زیادی در این منطقه کاشته می‌شده است (ر.ک: مرسلپور، ۱۳۸۷: ۱۴۲). مؤلف حدود العالم، محصولات کرمان را زیره، خرما، نیل، نیشکر و پانیذ (شکر) معرفی می‌کند (ر.ک: حدود العالم، ۱۳۶۱: ۱۲۶). زیره و نیشکر از محصولات منطقه سیرجان است چنان‌که زکریا قزوینی دربارهٔ سیرجان می‌گوید: قصبهٔ ولایت کرمان بوده، آبادان و معمور و پر آب... نخل بسیار و نیشکر در آن ولایت به هم رسد... و زیره که مشهور است از آن ولایت به عالم برند (قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۶۲).

یاقوت حموی که در قرن هفتم در کرمان بوده، خرمای کرمان را از خرمای بصره برتر دانسته است (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۲/ ۱۱۸). مقدسی درباره خرما و نیل کرمان گوید: «خرمای خراسان و نیل فارس از اینجا برند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۹۳). از مناطق کرمان که در آن محصول خرما به دست می‌آمده، جیرفت و بم بوده است. جیرفت تجارتخانهٔ خراسان و

می‌شده است (ر. ک: رضوی، ۱۳۹۰: ۳۴۹). از مناطق پنبه‌خیز کرمان ناحیه بهرام‌آباد رفسنجان بوده که پنبه آنجا به هندوستان صادر می‌شده است (ر. ک: گلاب‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۶۶). از محصولات صنعتی دیگر که می‌توان نام برد، پارچه‌های پنبه‌ای بم بودند که به سرزمین‌ها و شهرهای دور فرستاده می‌شدند. علاوه بر این، طیلسان‌ها و جامه‌های بم از محصولات صنعتی بودند که در خراسان و عراق و مصر به فروش می‌رسیدند. هم‌زمان با دوره ایلخانان، صنعت نساجی رونق زیادی یافت و بسیاری از شهرها از جمله کرمان در این زمینه فعال بود (ر. ک: رضوی، ۱۳۹۰: ۳۵۲). در این زمان است که مارکوپولو از انواع پرده‌های رنگارنگ و رو متکایی و ملافه و نازبالش‌های حریر در کرمان سخن می‌گوید (ر. ک: میلیون، ۱۳۶۹: ۴۴). نیل، یکی دیگر از محصولاتی بود که در کرمان تولید می‌شد: «نیل که رنگ آبی از آن به دست می‌آورد... از قرن ششم در ایران کشت می‌شد ولی فقط در کرمان به عمل می‌آمد.» (پتروشفسکی؛ یان؛ اسمیت، ۱۳۶۶: ۲۷). مارکوپولو همچنین از وجود معادن آهن و فولاد در کرمان سخن می‌گوید و یادآور می‌شود در کرمان بهترین زمین و یراق، دهنه و لگام اسب، شمشیر و کمان و تیردان و هر نوع اسلحه ساخته می‌شود (همان‌جا). وجود معادن مختلف در کرمان یکی دیگر از منابع درآمد به‌شمار می‌رفت. زکریای قزوینی می‌گوید: «در آنجا معدن طلا و نقره و آهن و مس و توتیا باشد» (زکریا قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۴۹). کوهبنان از جمله مناطقی بوده که مقدار زیادی آهن، فولاد و سرمه استخراج می‌کرده است (ر. ک: میلیون، ۱۳۶۹: ۵۰) و مؤلف عرابیس الجواهر که در حدود سال ۷۰۰ ق در کرمان بوده، می‌نویسد که در کوه‌های جنوبی کرمان دو سه معدن طلا دیده است (ر. ک: کاشانی، ۱۳۴۵: ۲۱۶). به گفته همین مؤلف، ترکان خاتون، الماسی به وزن سیزده مثقال، پیشکش ایلخان اباق‌خان نموده است (همان: ۸۱). عمده این محصولات برای صادرات به مناطق دیگر، به هرمز راه می‌یافتند و از آنجا به‌وسیله کشتی به ممالک مختلف ارسال می‌شدند

(ر. ک: لسترینج، ۱۳۳۷: ۳۴۳). خود منطقه هرمز که بندرگاه و مرکز تجارت و محل دادوستد کرمان محسوب می‌شد (ر. ک: ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۷۶)، دارای محصولاتی از جمله گندم و میوه بوده است (ر. ک: میلیون، ۱۳۶۹: ۴۸-۴۹)؛ اما عمده درآمد اقتصادی این منطقه از تجارت با هندوستان بوده است (ر. ک: رحیمی؛ جاوید، بی‌تا: ۱۱۷)، صادرات اسب به منطقه معبر هندوستان، یکی از درآمدهای منطقه هرمز به‌شمار می‌رفت (ر. ک: میلیون، ۱۳۶۹: ۱۹۳-۱۹۴؛ آیتی، ۱۳۷۲: ۱۷۳). با تأملی در همین نوشتار مختصر می‌توان دریافت که ایالت کرمان از گذشته‌های بسیار دور تاکنون دارای موقعیت سوق‌الجیشی مهم و محصولات و معادن مختلف بوده است. در هر دوره‌ای که دولت‌مردان و حاکمان زمانه، کفایت داشته و توانسته‌اند از این موقعیت استفاده نمایند، مقدمات رشد و رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی مردم را فراهم ساخته‌اند، اما در هر زمانی که نتوانسته‌اند از این پتانسیل بالقوه استفاده کنند رونق اقتصادی و به تبع آن آسایش و رفاه مردم نیز دچار نقصان شده است. ♦♦

منابع:

- ابن حوقل (۱۳۶۶). صوره الارض، ترجمه و توضیح جعفر شعار، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

- اعتمادالسلطنه، محمدحسین خان (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، تهران: دنیای کتاب.

- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد (۲۵۳۶). عقداً لعلی للموقف اعلی، به تصحیح علی‌محمد عامری، ج ۲، تهران: روزبهان.

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۲). تحریر تاریخ و صاف، ج ۲، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه.

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۷). از سیر تا پیاز، تهران: علم.

- پتروشفسکی، ا.پ؛ یان، کارل؛ اسمیت، جان ماسون (۱۳۶۶). تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول، تهران: اطلاعات.

- تاریخ شاهی قراختایان کرمان (۱۳۹۰). به تصحیح و تشبیه و مقدمه باستانی پاریزی، تهران: علم.

- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۷۵). جغرافیای حافظ ابرو، بی‌جا، بی‌نا.

- حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۶۱). به کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری.

- حموی، یاقوت (۱۳۸۰). معجم البلدان، ترجمه علینقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

- خداوردی تاج آبادی، محمد (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی و اجتماعی کرمان از ورود اسلام تا پایان آل بویه، کرمان: مرکز کرمان شناسی.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ و ۱۳۷۷). لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین و دکترسید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

- رحیمی، سجاد؛ جاوید، مرضیه (بی‌تا). «نقش هرموز در تبادلات اقتصادی خلیج فارس و اقیانوس هند در قرن هشتم و نهم ه.ق»، پژوهش در تاریخ، س ۳، ش ۱۰، ص ۱۰۷ تا ۱۲۶.

- رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۰). شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

- سپهر، محمدتقی (۱۳۵۱). براهین العجم، به اهتمام سید جعفر شهیدی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- قزوینی، زکریای محمدبن محمود (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیرمیرزا و تصحیح میر هاشم محدث، تهران: امیرکبیر.

- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد (۱۳۴۸). تاریخ اولجایتو، به اهتمام مهین همبلی، تهران: بنگاه ترجمه.

- گابریل، آلفونس (۱۳۸۱). مارکوپولو در ایران، ترجمه پرویز رجبی، تهران: اساطیر.

- گلاب‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۲). کرمان درگذر تاریخ، کرمان: مرکز کرمان شناسی.

- مردوخ روحانی، بابا (۱۳۸۲). تاریخ مشاهیر کرد. به کوشش محمد ماجد مردوخ روحانی. تهران: سروش.

- مرسل پور، محسن (۱۳۸۷). تاریخ سلجوقیان کرمان، کرمان: مرکز کرمان شناسی.

- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲). نزه القلوب، به سعی و اهتمام گای لسترینج، ج ۳، تهران: امیرکبیر.

- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۲، بی‌جا: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

- میلیون، ایل (۱۳۶۹). سفرنامه مارکوپولو، ترجمه منصور سجادی؛ آنجلادی جوانی رومانو، تهران: ابوعلی.